



سال سیزدهم / تابستان ۱۴۰۳

## تجربه کنشگری سیاسی در اعتراض‌های معیشت پایه؛ مطالعه

### تطبیقی کمپین‌های مجازی و غیرمجازی

• اسماعیل عالی‌زاد<sup>۱</sup>، سعیده امینی<sup>۲</sup>، کوثر درزی‌نژاد<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۰۲/۱۰/۳۰، تاریخ تایید: ۰۳/۱/۴

DOI: [10.22034/SCM.2024.436891.1721](https://doi.org/10.22034/SCM.2024.436891.1721)

#### چکیده

اعتراض‌های معیشت پایه از جمله اعتراضاتی است که در میان گروه‌های مختلف جامعه از قبیل معلمان و کارگران قابل مشاهده است. پیگیری چنین اعتراضاتی عموماً در فضای غیرمجازی و فضای مجازی امکان پذیر بوده و هدف از این پژوهش نیز شناخت تجربه کنشگری سیاسی در اعتراض‌های معیشت پایه در بستر غیرمجازی و مجازی می‌باشد. برای ترسیم پیوند میان این دو فضا، رویکردهای مربوط به دیالکتیک ذهن و عین، حوزه عمومی و مفهوم اعتراض مدنظر قرار گرفت. به منظور بررسی مسئله، از روش نظریه داده‌بنیاد استفاده شد و یافته‌های پژوهش نیز ابتدا از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با هفده نفر از معلمان و سیزده نفر از کارگران کشت و صنعت هفت‌تپه و صنعت نفت و گاز پارس جنوبی گردآوری شد. براساس یافته‌های این پژوهش مفهوم "برهمکنش اعتراضی" در جایگاه پدیده محوری قرار گرفت؛ در قدم بعدی مقولات مربوط به زمینه، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، استراتژی و پیامدها برحسب پیوند فضای مجازی و غیرمجازی ترسیم شد. به طور کلی، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که از منظر کنشگران در میان اعتراض‌های معیشت پایه، اعتراضاتی که به صورت توأمان در فضای غیرمجازی و فضای مجازی پیگیری شد نتیجه مطلوب کنشگران را به دنبال داشته‌است.

**واژگان کلیدی:** اعتراض معیشت پایه، کنشگری، فضای غیرمجازی، فضای مجازی، معلم، کارگر، برهمکنش اعتراضی

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران [i.aalizad@gmail.com](mailto:i.aalizad@gmail.com)

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران [saeede.amini280@gmail.com](mailto:saeede.amini280@gmail.com)

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
[k.darzinejad@gmail.com](mailto:k.darzinejad@gmail.com)

## مقدمه

اعتراض‌های معیشت‌پایه از جمله کنش‌های جمعی‌اند که به دنبال اثرگذاری بر تصمیمات اقتصادی اتخاذ شده از سوی دولت هستند. چنین اعتراض‌هایی امکان چانه‌زنی با دولت‌ها را در جهت رسیدن به مطالبات جمعی فراهم می‌کنند. با توجه به نقش تعیین‌کننده دولت در پیشبرد سیاست‌های معیشتی، این فعالیت‌ها با عنوان کنشگری سیاسی شناخته می‌شوند. به منظور بررسی تجربه کنشگری سیاسی در اعتراض‌های معیشت‌پایه لازم است که عرصه‌های کنشگری در این اعتراض‌ها را شناسایی کنیم.

در وهله اول فضای شهرها به عنوان نخستین صحنه کنشگری در نظر گرفته می‌شود؛ در کنار این، امروزه با توجه به گسترش اپلیکیشن‌های مجازی و دسترسی خیل عظیمی از مردم به این برنامه‌ها، شاهد شکل‌گیری انواع جدیدی از مشارکت سیاسی هستیم. بدین ترتیب وجه اول معطوف به تجربه برآمده از کنش‌هایی است که با حضور مستقیم کنشگران در عرصه عمومی غیرمجازی صورت می‌گیرد و وجه دیگر، حاصل از کنشگری در شبکه‌های اجتماعی مجازی از جمله اپلیکیشن‌هایی مانند توییتر، اینستاگرام و تلگرام است.

در چنین شرایطی با توجه به فراگیر شدن دسترسی به برنامه‌های مجازی، طرح مسائلی که به صورت توأمان اعتراض‌ها را در بسترهای گوناگون بررسی می‌کنند مهم می‌نماید. علاوه بر این، در سال‌های اخیر نارضایتی‌های شغلی در میان اقشار گوناگون از جمله معلمان و کارگران شرایطی را پدید آورده که هر یک از گروه‌ها تلاش می‌کنند مطالبات خود را مبنی بر افزایش حقوق‌ها و اعمال طرح‌های همچون رتبه‌بندی به طرق گوناگون بیان کنند. در اینجا شناخت چگونگی تجربه کنشگری سیاسی در اعتراض‌های معیشت‌پایه در بستر فضاهای مجازی و غیرمجازی به عنوان هدف اصلی پژوهش در نظر گرفته شد. در قدم بعدی توجه به زمینه‌ها و پیشینه‌های کنشگران در انتخاب این فضاها به عنوان عرصه کنشگری از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ سپس علل کنشگری سیاسی در اعتراض‌های معیشت‌پایه مدنظر قرار می‌گیرد؛ برای درک این عوامل لازم است که هر یک از کنشگران به تشریح تجربه زیسته خود بپردازند. در نهایت، نتایج و پیامدهای حاصل از کنشگری‌های پیشین، در سازماندهی کنشگری بعدی و حضور در فضای غیرمجازی و یا فضای مجازی در یک رویداد حاد موثر است.

در اغلب تحقیقاتی که تاکنون در مورد انواع اعتراض‌ها در ایران صورت گرفته بر یک بعد کنشگری در اعتراض‌ها در بستر مجازی و یا غیرمجازی به صورت مجزا تاکید شده است<sup>۱</sup>؛ علاوه بر این، نارضایتی‌های شغلی در میان گروه‌هایی از جمله معلمان و کارگران شرایطی را جهت بیان مطالبات به طرق گوناگون ایجاد کرده است. بر این مبنا، این پژوهش از توجه به تجربه کنشگری سیاسی در فضای مجازی و فضای غیرمجازی به طور مجزا عبور کرده و به منظور فهم تجربه کنشگری سیاسی در اعتراض‌های معیشت پایه در فضای مجازی و غیرمجازی در پی پاسخ دادن به سوال‌هایی است که در ادامه مطرح می‌گردد:

- تجربه کنشگری سیاسی در اعتراض‌های معیشت پایه در بستر فضاهای مجازی و غیرمجازی چگونه است؟
- کنشگران در اعتراض‌های معیشت پایه چه عوامل و زمینه‌هایی را برای کنشگری در فضاهای مجازی و غیرمجازی مهم دانستند و زمینه فعالیت را چگونه شناسایی کردند؟
- کنشگران در اعتراض‌های معیشت پایه چه استراتژی‌هایی را در فضاهای مجازی و غیرمجازی در پیش گرفتند؟
- کنشگران در اعتراض‌های معیشت پایه از کنشگری سیاسی در فضای مجازی و غیرمجازی چه پیامدهایی را حاصل کردند؟

### مروری بر پیشینه تجربی پژوهش

در مرور تحقیقات مرتبط با پژوهش حاضر می‌توان آن‌ها را در سه دسته کلی مدنظر قرار داد؛ دسته اول مطالعات مبتنی بر توجه توأمان به کنشگری در فضای مجازی و فضای غیرمجازی هستند؛ سردارنیا و البرزی (۱۴۰۱) در مقاله «تحلیل اعتراضات صنفی- اجتماعی اخیر در ایران (۱۴۰۰\_ ۱۳۹۶) از منظر نظریه سیاست خیابان» این اعتراض‌ها را از نوع خودانگیخته، بدون رهبر، با حضور مستقیم در خیابان و بی‌اعتماد نسبت به تشکل‌های صنفی معرفی کردند. همچنین مقاله ستوده و تقی‌پور (۱۳۹۸) با عنوان «نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در شکل‌گیری و تقویت خواسته‌های صنفی کشاورزان اصفهان» تاثیر فضای مجازی در بعد اعتراض را در سطح متوسط ارزیابی کردند. عالی‌زاد و ابراهیم‌طاری (۱۳۹۶) نیز در مقاله «عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و فعالیت در عرصه عمومی غیرمجازی (با تأکید بر دانشجویان

۱ تلاش کردیم به برخی از این موارد در پیشینه تجربی پژوهش اشاره کنیم.

دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)» نشان دادند که میان تعداد عضویت کاربران در فضاهای مجازی و میزان فعالیت در عرصه عمومی رابطه معناداری وجود ندارد.

دسته دوم مطالعات معطوف به نقش فضای مجازی به عنوان عرصه کنش‌گری سیاسی هستند. امینی و دادگستر نیا (۱۴۰۲) در مقاله شوک‌های اخلاقی، صعود و افول عواطف در شبکه ایکس (توییتر فارسی) در ناآرامی‌های ۱۴۰۱ با روش محاسباتی به مطالعه نسبت عواطف اعتراضی (متقابل و مشترک) با شوک‌های اخلاقی در اعتراضات ۱۴۰۱ پرداختند. محمودی (۱۴۰۱) در پایان‌نامه «بررسی عواطف سیاسی در تصاویر اعتراضات ۱۳۸۸، ۱۳۹۸» به بازشناسی، دسته‌بندی و مقایسه ژانرهای مختلف عاطفی در دو بستر اعتراضی مذکور پرداخته است. کرمانی (۱۳۹۹ا) در پژوهش «میدان سیاست در توییتر فارسی؛ تحلیل کنش‌گری سیاسی همگان‌های شبکه‌ای در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶» به تمایل کاربران این فضا به منظور ترسیم ارزش خود به عنوان ارزش برتر پرداخت. خجیر (۱۳۹۷) نیز در پایان‌نامه «جامعه‌ای شبکه‌ای شده: نقش شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای پیام‌رسان موبایلی در تحول جامعه مدنی در ایران» حضور در فضای مجازی را برحسب سه جنبه کارکرد، ظرفیت و چالش بررسی کرد.

در نهایت مطالعات مبتنی بر کنش‌گری سیاسی با مدخلیت اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت. مهدیون و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «تجربه زیسته اعضای کانون صنفی معلمان از فعالیت‌ها و مشکلات صنفی معلمان (مورد مطالعه: اعضای کانون صنفی معلمان استان آذربایجان شرقی)» فعالیت معلمان این مجموعه را در جهت بهبود معیشت معلمان، چانه‌زنی فرهنگی\_سیاسی و سازماندهی و مدیریت اعتراضات معرفی کردند. قاسمی و همکاران (۱۳۸۹) نیز در مقاله «تحلیلی جامعه‌شناختی بر احساس عدالت در بین معلمان شهر زنجان» به این نتیجه رسیدند که در میان معلمان این شهر ۹۱ درصد با احساس بی‌عدالتی مواجه هستند.

به طور کلی بررسی پژوهش‌های مربوط به دسته دوم و سوم نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی درمورد اعتراض‌های معیشت‌پایه به تجربه کنش‌گری توأمان در فضای مجازی و غیرمجازی نپرداخته است. این در حالی است که در چنین تجربه‌ای نقش این دو عرصه کلیدی بوده و نمی‌توان آن را از نظر دور داشت. از سوی دیگر در مواردی به اشاره‌هایی صرف از قبیل تعیین نقش تقدم و یا تاخر درمورد این دو فضا در شکل‌گیری اعتراض‌های گوناگون بسنده شده-

است. این در حالی است که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تعامل میان دو فضای مجازی و غیرمجازی در اعتراض‌های مذکور پیچیده بوده و قابل تقلیل به روابط علی و معلولی نیست.

## ملاحظات نظری

### دیالکتیک ذهن و عین

به منظور بررسی تجربه کنشگری سیاسی در اعتراض‌های معیشت پایه، آنچه که به عنوان یک کنش جمعی در فضای غیر مجازی و فضای مجازی ظاهر می‌شود نیازمند یک بعد ذهنی به منظور تصمیم‌گیری برای کنش است؛ بدین ترتیب اعتراض به عنوان یک کنش جمعی، از دیالکتیک بین ذهن و عین حاصل می‌شود. به عقیده برگر و لوکمان در چنین شرایطی پرداختن به «رابطه میان اندیشه آدمی و شرایط اجتماعی‌ای که این اندیشه در آن سر بر می‌آورد» ضروری است (برگر و لوکمان، ۱۳۹۹: ۱۱)؛ در چنین رویکردی نمی‌توان تجربه افراد و فهم آن‌ها از مسائل گوناگون را به روابط علی و معلولی تقلیل داد؛ بلکه در اندیشه برساخت‌گرا هر تجربه منوط به معیاری «فرهنگی» و «تاریخی» است (بر، ۱۳۹۵: ۱۲۵). چنین امری ضرورت پرداختن به زندگی روزمره کنشگران و تفهیم آنچه که از آن با عنوان واقعیت یاد می‌کنند را می‌نماید. کنشگر فعال در اعتراض معیشت پایه درک خاصی از جهان خود دارد و می‌توان او را به عنوان تفسیرگری در نظر گرفت که از خلال بدن به ارزیابی موقعیت‌ها می‌پردازد. آنچه که در اینجا تحت عنوان برهمکنش<sup>۱</sup> مدنظر قرار می‌گیرد از یک سو دربردارنده پیوند ذهن و عین و از سوی دیگر نماد رفت و برگشت کنشگران میان فضای غیرمجازی و فضای مجازی است.

علاوه بر این، تفسیر این جهان و بیان رویکرد موجود نسبت به آن از مجرای زبان امکان‌پذیر است؛ کنشگر حاضر در فضای غیرمجازی می‌تواند از طریق شعارها، پلاکاردها و سرودهای جمعی نظر دیگران را جلب کرده و یک «جهان مشترک» را ایجاد کند. کنشگر فعال در فضای مجازی نیز تلاش می‌کند از طریق انتشار متن‌ها و همچنین تصاویر تجمعات، ابعاد ذهنی خود را در قالب کلمات و تصاویر به نمایش بگذارد (برگر و لوکمان، ۱۳۹۹: ۵۵). کنشگران به منظور کنشگری سیاسی در اعتراض معیشت پایه، در وهله اول نیازمند درونی کردن اهداف و باورهایی هستند که مورد اجماع است. در اصل می‌توان گفت آن‌ها با توجه به پیشینه تاریخی و بستر زیستشان این ارزش‌ها را «درونی و سپس از آن خود می‌کنند» (برگر و لوکمان، ۱۳۹۹: ۱۸۰).

1 interaction

پس از این مرحله، کنشگران شروع به کنشگری در عرصه‌های گوناگون کرده و برونی‌سازی و عینی‌سازی میسر می‌شود.

### حوزه عمومی

در برخی موارد، دوگانه کمپین‌های مجازی و غیرمجازی به مثابه عرصه‌های عمومی‌ای ظاهر می‌شوند که هر یک امکانات خاصی را در تجربه کنشگری سیاسی در اعتراض‌های معیشت‌پایه ایجاد می‌کنند. در عرصه عمومی به دلیل شرایط برابر و مساعدی که وجود دارد امکان اجماع و تفاهم در مورد یک کنش جمعی میسر می‌شود. بدین ترتیب فضای مدرسه، کارخانه، پالایشگاه و همچنین گروه‌های موجود در فضای مجازی می‌توانند کارکردی همچون حوزه عمومی مدنظر هابرماس داشته‌باشند. در چنین فضایی طرفین فعال ضمن بیان نظرات، به گفتگو با یکدیگر می‌پردازند و شرایطی ایجاد می‌شود که بنا بر نفع جمعی دست به انتخاب و کنش بزنند. آنچه که در اینجا مدنظر است اعلام نظرات به صورت آزادانه و «عاری از هرگونه فشار، اضطراب، بر مبنای آزادی و آگاهی تعاملی و در شرایط برابر با طرف‌های مشارکت‌کننده» است (هابرماس، ۱۳۹۹: ۲۱۰). این امر به معنای در نظر گرفتن فضای مجازی عنوان حوزه عمومی در حالت کلی نیست؛ بلکه نشان می‌دهد که این فضا نیز همچون فضای غیرمجازی از چنین ظرفیتی برخوردار است. مشارکت‌کنندگان این پژوهش، عموماً از فضای غیرمجازی به عنوان فضایی برای مفاهمه یاد کردند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین عرصه‌ای که حوزه عمومی مدنظر هابرماس تبلور می‌یابد در اعتراضات کارگران به ویژه کارگران هفت‌تپه است. چنین امری عموماً در فضای کارخانه و از خلال زبان میسر شده‌است. در اینجا مکرراً به نقش گفتگو و تعاملات زبانی اشاره می‌شود. این در حالی است که در شرایط اضطراب، همچون همه‌گیری ویروس کرونا اقبال نسبت به فضای مجازی به منظور مشورت و هدایت افکار عمومی بیشتر شد.

«اصطلاح افکار عمومی اشاره به کارکرد نقد و کنترل قدرت دولت سازمان‌یافته دارد که به طور غیررسمی از سوی عامه مردم اعمال می‌شود» (هابرماس، ۱۳۹۴: ۲۵۰). در این روند بسیج افکار عمومی منجر به جلب توجه مدیران و حساسیت آن‌ها نسبت به خواسته‌های معلمان و کارگران نیز می‌شود. تاکید بر نقش ارتباطی حوزه عمومی و جایگاه گفتگو در چنین عرصه‌ای بار دیگر یادآور جایگاه پررنگ زبان در میدان کنشگری سیاسی است که نقش پیونددهنده افراد

در حوزه عمومی را ایفا می‌کند. زبان به کنشگران حاضر کمک می‌کند تا در جهان معنایی مشترکی زیست کنند و این امر همان حوزه‌ایست که امکان درک متقابل و پیگیری اهداف جمعی را به دنبال دارد.

## اعتراض

مفهوم عام اعتراض، معطوف به فعالیت‌های غیرمتمعارفیست که حکومت را هدف قرار داده و از طریق کانال‌های غیررسمی به دنبال تاثیرگذاری بر تصمیم‌گیرندگان هستند (دلپورتا، ۱۳۸۳: ۲۴۲). منابعی همچون فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در حکم ابزاری هستند که به قدرت‌گیری معترضان، برنامه‌ریزی جهت انجام راهپیمایی‌ها و سپس پیگیری روند انجام آن‌ها کمک می‌کند. با توجه به رویکرد دیوید ای. اپتر و چارلز اف. اندی پین در مورد اعتراضات و تغییرات اجتماعی، در بررسی اعتراض‌های سیاسی توجه به سه بعد فرهنگ، ساختار و رفتار مهم می‌نماید؛ بعد فرهنگی به بخش ذهنی و باورهای سیاسی افراد برمی‌گردد؛ «باورهای سیاسی فرایند سیاسی را شکل می‌دهند چون به اعمال سیاسی معنا می‌بخشند» (اپتر، ۱۳۸۰: ۴۶)؛ در وهله دوم کنشگران در یک کنش سیاسی به فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که ساختار برای آن‌ها رقم می‌زند توجه می‌کنند؛ ساختار به «الگوی روابط اجتماعی میان بخش‌های مختلف» اطلاق می‌شود (اپتر، ۱۳۸۰: ۲۰۳). وسایل ارتباط جمعی از جمله این ساختارها هستند که امکان پیوند کنشگران به یکدیگر و دسترسی در مقیاس گسترده را فراهم می‌کنند؛ در وهله آخر در بعد رفتاری اعتراض‌ها، مجموع باورها و شرایط زمینه‌ای منجر به بسیج کنشگران و شکل‌دهی به عملکرد آن‌ها در عرصه‌های مختلف می‌شود. در اینجا آنچه که اهمیت دارد «تاثیر ارزش‌های فرهنگی و ساختارهای اجتماعی اقتصادی بر رفتارهای شخصی افراد از جمله مشارکت در جنبش اعتراض‌آمیز است» (اپتر، ۱۳۸۰: ۲۶). به طور کلی سه بعد مذکور در خلال پیوند میان شرایط علی و استراتژی‌ها قابل مشاهده است؛ به یک معنا، معانی مشترک متأثر از باورهای فرهنگی در ذهن هر یک از کنشگران شکل می‌گیرد و نهایتاً در قالب رفتار در فضای غیرمجازی و فضای مجازی ظاهر می‌شود.

## روش پژوهش

در این پژوهش، به منظور دستیابی به تجربه کنشگری سیاسی در اعتراض‌های معیشت‌پایه در فضای مجازی و غیرمجازی، از روش نظریه‌مبنایی استفاده می‌شود؛ چرا که ماهیت این پژوهش

مبتنی بر مطالعه تجربه زیسته بوده و این روش ابزاری کارآمد محسوب می‌گردد؛ علاوه بر این، در مورد چنین تجربه‌ای بر مبنای فضای مجازی و فضای غیرمجازی یافته‌های قابل توجهی مطرح نشده و نیازمند پیگیری منطق پژوهش استقامی و تفسیر هر یک از تجربه‌ها به صورت مجزا و سیستماتیک است. در این روش، برای فهم چرایی و چگونگی یک پدیده اجتماعی نقطه آغاز، یک نظریه مشخص نیست؛ بلکه پژوهش از یک حوزه مطالعاتی شروع می‌شود و فرصت داده می‌شود تا آنچه که متناسب و مربوط به آن است خود را نشان دهد (استراس، ۱۳۹۳: ۲۲).

به منظور دسترسی به مشارکت‌کنندگان، شامل کنشگران فعال در فضای مجازی، فضای غیرمجازی و کنشگرانی فعال در هر دو عرصه برخی صفحات و هشگ‌های موجود در توئیتر و اینستاگرام به عنوان میدان پژوهش انتخاب شده‌است. در مورد معلمان دنبال‌کننده‌های صفحه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران<sup>۱</sup> در توئیتر<sup>۲</sup> و اینستاگرام<sup>۳</sup> مدنظر قرار گرفت. در مورد کارگران نیز با توجه به نبود یک صفحه مجازی رسمی، هشگ‌هایی از قبیل #کارگر-زندانی-آزاد-باید-گردد، #کارگر-هفت-تپه، #کارگر-پارس-جنوبی، #اعتصابات-سراسری در توئیتر جستجو شد.

به منظور نمونه‌گیری در قدم اول از روش نمونه‌گیری گلوله برفی<sup>۴</sup> استفاده شد؛ در قدم بعدی پس از انجام دو مصاحبه نخست و با توجه به اقتضات پژوهش، روش نمونه‌گیری هدفمند<sup>۵</sup> را نیز به کار بردیم؛ چرا که در بسیاری از مصاحبه‌ها، مشارکت‌کنندگان مایل به معرفی نفر بعدی نبودند. در ادامه به مشخصات توصیفی هر یک از مصاحبه‌شوندگان می‌پردازیم؛ به طور کلی تعداد ۳۰ مصاحبه گردآوری شد که هفده مورد با معلمان و سیزده مورد با کارگران بود. لازم به ذکر است برای مشخص نمودن کارگران شرکت کشت و صنعت هفت‌تپه نماد "کارگر، ه" و برای کارگران صنعت نفت و گاز پارس جنوبی "کارگر، پ" استفاده شد.

جدول ۱- اطلاعات کلی معلمان

ردیف	نام	تحصیلات	سابقه	مقطع تدریس	وابستگی صنفی
۱	حسین	لیسانس	۷ سال	متوسطه دوم	عضو رسمی
۲	آزاده	فوق لیسانس	۲۵ سال	متوسطه اول	عضو رسمی پیشین

1 Coordinating Council of Irainian Teachers Trade Associations (CCITTA)

2 @CoordinatingA

3 Kashowra

4 snowball sampling

5 Purposive sampling

ردیف	نام	تحصیلات	سابقه	مقطع تدریس	وابستگی صنفی
۳	مجید	فوق لیسانس	۱۵ سال	متوسطه اول	عدم وابستگی صنفی
۴	بهاره	فوق لیسانس	۲۶ سال	متوسطه دوم	عدم وابستگی صنفی
۵	پرهام	فوق لیسانس	۲۴ سال	متوسطه دوم	عضو رسمی
۶	نسرین	لیسانس	۲۹ سال	متوسطه دوم	عدم وابستگی صنفی
۷	تبسم	لیسانس	۳۰ سال	متوسطه دوم	عضو رسمی
۸	محمد	فوق لیسانس	۲۵ سال	متوسطه دوم	عضو رسمی پیشین
۹	زهرا	لیسانس	۳۰ سال	متوسطه اول	عدم وابستگی صنفی
۱۰	یاسمن	فوق لیسانس	۱۸ سال	متوسطه دوم	عضو رسمی
۱۱	مهدی	لیسانس	۳۰ سال	متوسطه اول	عضو رسمی
۱۲	آرمین	لیسانس	۳۰ سال	ابتدایی	عدم وابستگی صنفی
۱۳	مراد	لیسانس	۳۱ سال	متوسطه اول	عضو رسمی پیشین
۱۴	امیرحسین	فوق لیسانس	۲۶ سال	متوسطه دوم	عضو رسمی
۱۵	انسیه	فوق لیسانس	۲۷ سال	متوسطه اول	عضو رسمی
۱۶	ناهید	فوق لیسانس	۳۰ سال	متوسطه دوم	عدم وابستگی صنفی
۱۷	عاطفه	لیسانس	۱۵ سال	ابتدایی	عدم وابستگی صنفی

## جدول ۲- اطلاعات کلی کارگران

ردیف	نام	تحصیلات	سابقه	پایه کار	وابستگی صنفی
۱	احمدرضا (کارگر، ه)	فوق دیپلم	۱۷ سال	کارگر فنی	عضو رسمی پیشین
۲	مسعود (کارگر، ه)	دیپلم	۸ سال	کارگر ساده	عدم وابستگی صنفی
۳	مرتضی (کارگر، ه)	فوق دیپلم	۷ سال	کارگر فنی	عضو رسمی پیشین
۴	امیر (کارگر، ه)	فوق دیپلم	۶ سال	کارگر فنی	عدم وابستگی صنفی
۵	سیاوش (کارگر، ه)	لیسانس	۱۳ سال	کارگر فنی	عضو رسمی پیشین
۶	پوریا (کارگر، ه)	لیسانس	۷ سال	بخش اداری	عدم وابستگی صنفی
۷	عباس (کارگر، ه)	دیپلم	۲۱ سال	بخش اداری	عضو رسمی پیشین
۸	نیما (کارگر، پ)	لیسانس	۱۲ سال	تکنسین ارشد	عضو رسمی
۹	حاتم (کارگر، پ)	لیسانس	۲۲ سال	تکنسین ارشد	عضو رسمی
۱۰	جواد (کارگر، پ)	فوق لیسانس	۹ سال	کارگر فنی	عدم وابستگی صنفی
۱۱	وحید (کارگر، پ)	دیپلم	۸ سال	کارگر فنی	عضو رسمی
۱۲	حامد (کارگر، پ)	دیپلم	۱۰ سال	کارگر فنی	عضو رسمی
۱۳	عماد (کارگر، پ)	لیسانس	۱۷ سال	تکنسین ارشد	عدم وابستگی صنفی

تکنیک مناسب به منظور جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با مشارکت-کنندگان در نظر گرفته شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا بر اساس روش پژوهش، انواع

کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی برای استخراج مفاهیم مستتر در مصاحبه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به منظور انجام این عملیات از نرم‌افزار MAXQDA 2020 استفاده شد.

کدگذاری باز روند خرد کردن، مقایسه کردن، مفهوم‌پردازی کردن و مقوله‌بندی کردن داده‌ها است (استراس، ۱۳۹۳: ۶۱). در این مرحله ابتدا متن پیاده‌سازی هر یک از مصاحبه‌ها به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفت؛ مصاحبه‌های مجزا در برگیرنده مفاهیم مشترکی هستند که همین امر به شکل‌گیری کدهای اولیه کمک می‌کند. در کدگذاری محوری مفاهیم و مقوله‌هایی که در مرحله کدگذاری آزاد تجزیه شده‌اند، در ترکیبی جدید به هم متصل می‌شوند (ذکایی، ۱۳۸۱: ۶۳). به بیان دیگر چنین روندی به شکل‌گیری خط داستانی پژوهش کمک می‌کند و مرکز ثقلی را مشخص می‌کند که مابقی مفاهیم را سامان می‌دهد. مرحله پایانی، کدگذاری انتخابی برای یکپارچه‌سازی و پالایش نظریه است (استراوس، ۱۳۹۱: ۱۶۵). در چنین مرحله‌ای تلاش می‌شود به کمک یک مدل پارادایمی هر آنچه تاکنون در قالب مفاهیم و مقولات مختلف مطرح شد ترسیم شود.

### یافته‌های پژوهش

در این پژوهش تحلیل یافته‌ها در قالب یک مدل پارادایمی ترسیم شد. در وهله اول پدیده محوری پژوهش یعنی "برهمکنش اعتراضی" به عنوان نقطه اتصال سایر موارد انتخاب شد. پس از این زمینه‌های کنشگری سیاسی در اعتراض‌های معیشت پایه، به معنای مواردی که امکان کنشگری سیاسی در فضای مجازی و غیرمجازی را ایجاد کرده بررسی شد. در ادامه شرایط علی که به علل نارضایتی و مطالبه‌گری معلمان و کارگران برمی‌گردد مطرح شده‌است؛ پس از این استراتژی‌های دو گروه معلمان و کارگران به منظور کنشگری سیاسی در فضای مجازی و غیرمجازی مطرح می‌شود. در نهایت به دنبال ذکر پیامدهای حاصل از کنشگری سیاسی در اعتراض‌های معیشت پایه در هر یک از فضاهای مجازی و غیرمجازی هستیم.

## ۱) پدیده محوری

### ۱-۱) برهمکنش اعتراضی<sup>۱</sup>

پدیده محوری، مفهومی است که رویکرد کنشگران حاضر در این تحقیق را نسبت به پیوند فضای غیرمجازی و فضای مجازی در اعتراضاتشان نشان می‌دهد. برهمکنش اعتراضی متضمن تعامل پایدار میان فضای مجازی و فضای غیرمجازی بوده و نشان می‌دهد معناسازی‌ها و سپس کنش بر حسب این معانی ذهنی، از چه جایگاهی برخوردار است. عباس (کارگر، ه) در این باره می‌گوید:

«فضای مجازی یک اطلاع‌رسانی دقیق با یه برد خیلی وسیعی‌ای داره؛ ولی میدانو هم باید داشته باشی؛ اگه میدانو نداشته باشی اون تبلیغات به نظر من کارساز نیست و خسته‌کننده میشه؛ باید هم میدانو داشته باشیم، هم فضای مجازی».

## ۲) زمینه

### ۲-۱) جامعه‌پذیری اشتغال و سلسله مراتب شغلی

زمینه یک کنش تا حد زیادی منوط به سابقه شغلی کنشگران و جایگاه آن‌ها در محیط کار است. مقطع تدریس معلمان، به معنای تدریس در مقطع ابتدایی، متوسطه اول و یا دوم حائز اهمیت است. در میان کارگران نیز، جایگاه شغلی آن‌ها به عنوان کارگر ساده، کارگر فنی و یا تکنسین قابل توجه بود. معلمان در سال‌های ابتدایی ورود خود به آموزش و پرورش، به عنوان نیروهای قراردادی شناخته می‌شوند؛ کارگران نیز به همین منوال در ابتدای ورود به کارخانه به عنوان نیروی پیمانی مشغول به کار هستند. چنین موقعیتی آن‌ها را از فرصت‌های بالقوه کنشگری دور می‌کند؛ چراکه این گروه‌ها همواره در معرض خلع از کار هستند.

### ۲-۲) محوریت سازمان صنفی در تسهیل امکان کنش

عضویت در یک کانون رسمی و همکاری با افراد هم‌صنف، زمینه‌ساز فعالیت‌های بعدی و ابراز نارضایتی‌ها بوده‌است. در اینجا از یک سو با سازمان‌هایی همچون کانون صنفی معلمان مواجهیم که از منظر معلمان فراخوان‌های این کانون به عنوان یک عامل محرک به منظور حضور در تجمعات بوده‌است. گزارش‌ها تشکیل و ثبت اولین تشکل‌های صنفی فرهنگیان را به سال ۱۳۷۷ و

1 protest-based interaction

این مفهوم، متأثر از مفهوم "برهمکنش اجتماعی" مطرح شد. به عقیده برگر و لوکمان تجربه فرد از وجود دیگری ناشی از روابط چهره به چهره است. تمام صورت‌های دیگر روابط مشتقات روابط چهره به چهره محسوب می‌شوند (برگر و لوکمان، ۱۳۹۹: ۴۶).

دور اول ریاست جمهوری محمد خاتمی مربوط می‌دانند (۱). در عین حال، یافته‌های پژوهش در خلال گفتگوها با اعضای فعال نشان می‌دهد سال ۱۳۷۷ نقطه‌ای به منظور از سرگیری فعالیت‌های کانون صنفی معلمان پس از انقلاب ۱۳۵۷ است. در مقابل کارگران کشت و صنعت هفت‌تپه پس از اشاره به شکل‌گیری نهادهای فرمایشی توسط کارفرما در روند اعتراضات از پذیرش این نهادها سرباز زده و مصرا نه اقدام به ایجاد نهادهای مطلوب خود کردند. در مجتمع نفت و گاز پارس جنوبی، نخستین انجمن صنفی<sup>۱</sup> مجموعه‌های کارگری از سال ۱۴۰۰ با دریافت مجوز رسمی شکل گرفته و رای‌گیری‌ها به منظور انتخاب اعضا نیز به صورت دوره‌ای و سیستمی صورت می‌پذیرد. شکل‌گیری این انجمن براساس قانون کار در جلسه‌ای که در محل پالایشگاه دهم با حضور نمایندگان کارگری و مدیران حوزه نفت، گاز و پتروشیمی و روسای ادارات تعاون، کار و رفاه اجتماعی عسلویه، کنگان و سیراف صورت گرفت (۲).

### ۲-۳) تمرکز فضایی به مثابه عامل تسهیل‌کننده بسیج<sup>۲</sup>

تعیین یک فضای مشخص، نخستین قدم به منظور شکل‌گیری یک اجتماع است که مشخصاً در گفتگو با کارگران مطرح شد؛ موقعیت مشخص کارخانه و پالایشگاه به کارگران این امکان را می‌دهد تا به راحتی بتوانند محلی را به منظور اعتصابات تعیین کنند. در مورد شرکت کشت و صنعت هفت‌تپه فضای اصلی به منظور تجمعات آن‌ها فضایی به نام "سنگر" در کارخانه و در میان کارگران مجموعه نفت و گاز پارس جنوبی نیز معطوف به بخش مرکزی پالایشگاه بوده‌است. "سنگر" بازمانده‌ای از زمان جنگ ایران و عراق و متضمن حافظه تاریخی قوی در میان مردمان خوزستان است. پوریا (کارگر، ه) علت اهمیت سنگر به منظور اعتصابات را این‌گونه بیان می‌کند:

«چون اولین اتفاق مثبتی که توی شرکت افتاد، اولین نتیجه‌ای که ما از اعتصابات گرفتیم، اونجا تجمع ما روی اون سنگر بود [تبدیل کارگرهای پیمانی به رسمی]؛ بعد اون سنگره یجورایی مرکز شرکته؛ یعنی تمام بخشای شرکت گذرشون به اون منطقه میخوره».

### ۲-۴) پراکندگی فضایی به مثابه عامل ضدبسیج<sup>۳</sup>

در مقابل در مورد معلمان، فضا به عاملی تبدیل شده که مانع از انسجام اعتراضات آن‌ها می‌شود. معلمان جمعیتی عظیم و پراکنده در سراسر کشور هستند و نمی‌توان جمعیت آن‌ها را به

۱ کانون انجمن‌های صنفی کارگران پالایشگاه‌های گاز استان بوشهر SPGC

2 mobilisation

3 Anti-mobilisation

یک مدرسه محدود کرد. به این ترتیب آن‌ها در طی فراخوان‌های سراسری معمولاً اداره آموزش و پرورش هر یک از شهرها به عنوان محل تجمع انتخاب می‌شود؛ در چنین شرایطی پراکندگی معلمان در سطح استان‌های مجزا به مثابه عامل ضد بسیج عمل کرده و انسجام مدنظر آن‌ها به منظور تحقق مطالبات را به همراه ندارد.

## فرصت‌های فضای مجازی

### ۵-۲) کنشگری اینترنتی و اطلاع‌رسانی

خبررسانی به منظور برگزاری جلسات و فراخوان تجمعات از جمله مراحل کلیدی یک اعتراض است که نیازمند ابزار و راهبردهایی به منظور اطلاع‌رسانی به تعداد بالایی از افراد می‌باشد؛ در این بین فضای مجازی نقش بسیار ویژه‌ای ایفا کرده‌است. تبسم (معلم) در مورد این نقش فضای مجازی در سال‌های اخیر می‌گوید:

«اومدن گوشبای هوشمند که دیگه بزرگترین تاثیر رو در ارتباط من با بچه‌های صنفی داشت؛ اول تو فضای وایبر برای خبررسانی حضور داشتیم؛ [...] سال ۹۰، ۹۱ تلگرام تازه اومده بود و من هم تونسته‌بودم با استفاده از اون گسترش بدم ارتباط با همکارا رو».

### ۶-۲) جامعه جهانی و سیالیت فاصله جغرافیایی

فضای مجازی نقش مهمی را در کمرنگ شدن مرزهای جغرافیایی و نزدیک شدن به مفهوم جامعه جهانی ایفا کرده‌است. این امر در مورد هماهنگی برای تجمعاتی که جنبه کشوری داشته از اهمیت دوچندان برخوردار بوده‌است. این مفهوم در مورد فضای یک کارخانه نیز تا حدودی مصداق پیدا می‌کند؛ چراکه فضای کارخانه به عنوان فضایی گسترده شناخته می‌شود که کارگران در نقاط مختلف آن مشغول به کار هستند؛ به طور کلی «جامعه شبکه‌ای جامعه‌ای جهانی است زیرا شبکه‌ها مرزی ندارند» (Casstels, 2010: 27-37). حامد (کارگر، پ) نیز در سطح پالایشگاه نقش فضای مجازی را به این صورت ارزیابی کرده‌است:

«فضای مجازیم خیلی بهمون کمک کرده؛ خیلی از ماهایی که تو پارس جنوبی کار می‌کنیم، تو پالایشگاه‌های مختلف بودیم؛ از طریق همین فضای مجازی با هم آشنا شدیم».

## تهدیدهای فضای مجازی

### ۲-۷) ابهام و خودسانسوری

به عقیده کنشگران هرگونه حضور در فضای مجازی که متضمن پنهان کاری و عدم اشاره به نام اصلی کنشگران باشد آسیبزا خواهد بود؛ از این حیث ابهام و مطرح نشدن نام اصلی افراد در فضای مجازی، به عنوان عاملی در نظر گرفته شد که مانع فعالیت سایرین و منجر به اختلال در روند کلی کنشگری سیاسی می شود. در اینجا با نوعی از کنشگرنمایی مواجه هستیم؛ به عقیده موروزف «کنشگرنمایی حس خوب کنشگری است که اثر سیاسی و اجتماعی ندارد اما توهم تاثیرگذاری معنادار بر جهان را به دنبال دارد» (Morozov, 2010).

### ۲-۸) فیلترینگ؛ اثر عقیم کننده زیرساخت های موجود

فیلترینگ از جمله نکات پرتکراری بود که در طی گفتگوهای متعدد با معلمان و کارگران به آن اشاره شد. همانطور که پیش از این نیز مطرح کردیم فضای مجازی از جمله ابزارهای قابل توجه و کارآمدی بوده که کنشگری معلمان و کارگران را تا حد زیادی تسهیل کرده است. در این بین، اعمال محدودیت های گوناگون بر فضای مجازی در طی دوره های گوناگون این کارکرد مثبت را با مشکل مواجه کرده است.

## ۳) شرایط علی

### ۳-۱) تنگناهای معیشتی به مثابه موقعیت کنشگری بالقوه

معلمان و کارگران به صورت توأمان عوامل اقتصادی را در زمره نخستین عاملی که منجر به مشارکت آن ها در اعتراضات معیشت پایه شده است معرفی کرده اند. این امر، به مثابه معنایی مشترک در میان افراد گوناگون در ساختار کلی یک جامعه است که می تواند زمینه ساز مطالبات بعدی نیز باشد (برگر، ۱۳۹۹: ۹۵). نکته مهم در سخنان هر یک از مشارکت کنندگان این است که عامل اقتصادی در وهله نخست برای هر یک از آن ها به معنای حقوق دریافتی شان است که کفاف زندگی روزمره معلمان و کارگران را نمی کند. در این بین می توان به اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ اشاره کرد که با ماهیتی اقتصادی آغاز شد و گروه های مختلف معلمان و کارگران در هفت تپه نیز با آن همراهی کردند (سردارنیا، ۱۴۰۱: ۱۰۵).

### ۲-۳) پدیدار مشترک

معلمان و کارگران از موقعیت‌هایی یاد کردند که گویا برای نخستین بار نسبت به شرایط موجود آگاه شدند. در تحقیق حاضر چنین امری در مورد کارگران کشت و صنعت هفت‌تپه به سال ۱۳۹۶ پس از واگذاری شرکت به بخش خصوصی بازمی‌گردد. پدیدار مشترک عموماً در مواجهه با سایر همکاران به وقوع می‌پیوندد؛ کنشگران در یک بستر اجتماعی تا پیش از این تنگناهای معیشتی را امری شخصی و متعلق به خود می‌دانستند؛ اما در یک لحظه خاص، در تعامل با سایر همکاران و به واسطه "گفتگو" این تنگنا در حکم امری اجتماعی که تمامی افراد هم‌حرفه را درگیر کرده‌است پدیدار شد. کنشگران در مورد شکل‌گیری این مطالبه از مدرسه یا کارخانه به عنوان مقرر اصلی همزیستی و شکل‌گیری مطالبات یاد کردند. ناهید (معلم) در مورد روند روبه جلوی مطالبه‌گری می‌گوید:

«اول از غرغر کردن شروع میشه، اول از دیدنه شروع میشه، می‌بینی، تحمل میکنی، بعد کم‌کم پیچ میکنی، بعد ذره ذره میبینی تعداد آدمایی که مثل تو معترضن زیادن، در حد گروهت چون هممون در واقع اکثریتمون هم‌درد میشدیم چون بعد یه مدت همکارامون دیگه تفاوت زیادی نخواهند داشت؛ بنابراین کم‌کم اجتماعت شکل میگیره، اجتماع معترض نسبت به یه اتفاق؛ حالا اون اتفاقه اولاً میتونست معیشت باشه بعداً کم‌کم چیزای دیگه شد و تا وقتی که کم‌کم بهم میچسبی کلونیتو تشکیل میدی...».

### ۳-۳) یأس محرک

از جمله جملات پرتکرار در طی مصاحبه‌ها جمله "ما چیزی برای از دست دادن نداریم" بوده است. این عبارت در عین حال که متضمن یأسی عمیق در درون خود بود اما کنشگران را وادار به برخاستن و کنشگری کرد. سوژه اندیشنده در اینجا با نگاهی به وضعیت فعلی خود و بازاندیشی در مورد آنچه پیش از این داشته، خود را در خلأی عمیق می‌بیند. این ناامیدی در وهله اول او را به سکوت وادار می‌کند؛ اما پس از گذشت مدتی، یأس در قالبی جدید نمودار می‌شود و به نیروی محرکه اصلی کنشگر تبدیل می‌گردد؛ احمدرضا (کارگر، ه) این موقعیت را این‌گونه تشریح می‌کند:

«نگاه کنید ما چیزی برای از دست دادن نداریم؛ من چیزی برای از دست دادن ندارم؛ حالا شاید خیلپاشونم بترسن بنده خداها، ولی خب دیگه وقتی به یه جایی رسید یارو نون شب نداره بخوره، دیگه چیزی برای از دست دادن نداره که بترسه».

#### ۴-۳) مطالبات امری متکثر و چند بعدی

معلمان علاوه بر مسائل اقتصادی، مطالبات متعددی در زمینه‌های سیاسی و فرهنگی نیز داشته‌اند که عامل محرک آن‌ها در کنشگری بوده‌است. آن‌ها بارها در طی گفتگو بر این نکته تاکید کردند که مطالبه آن‌ها امری واحد نیست؛ هر چند که نقطه آغاز کنشگری آن‌ها برحسب یک مطالبه اقتصادی بوده اما به مرور زمان و باتوجه به اقتضات زمانه، نیازهای متعددی سربرآورده‌است. باتوجه به گستردگی و تکثر در جامعه معلمان، طرح انواع مطالبات در جذب تعداد بیشتری از معلمان و طیف‌های مختلف آن‌ها موثر بوده‌است؛ اما در سوی دیگر، به مرور زمان افزایش مطالبات و تنوع آن‌ها منجر به تشتت آرا و اختلاف نظرهای گسترده شده‌است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که به ثمر رسیدن یک کنش اعتراضی در گرو اتفاق نظر کنشگران یک مجموعه در جهت یک هدف واحد است. اما در چنین شرایطی، مطالبات متکثر باوجود جذب افراد متعدد قدرت چانه‌زنی را به طرز قابل توجهی کاهش می‌دهد.

#### ۵-۳) هدف مشخص، قطبی و تثبیت شده

به عقیده کارگران آنچه که تاکنون در طی اعتراضات معیشت پایه آن‌ها را گرد هم آورده و به کلی منسجم بدل کرده‌است یک هدف واحد بوده‌است؛ در عین حال، وجود اختلافات گوناگون در یک جمع عظیم همچون کارگران یک مجموعه، امری بدیهی است؛ اما در نهایت هدفی واحد منجر به نتیجه‌بخش بودن تاکتیک‌ها خواهدشد (مدنی، ۱۳۹۵: ۸۷). به عقیده هابرماس «در این نوع هم‌کنش، کنشگران از یکدیگر توقع دارند که اغراض و افعال متفاوتشان را از طریق اجماعی که محصول ارتباط و مفاهمه است هماهنگ کنند» (هابرماس، ۱۳۹۴: ۵۷). در این بین تشکیلات کارگری به منظور حفظ انسجام از میان مطالبات موجود دست به اولویت‌بندی آن‌ها می‌زدند؛ این امر از یک سو به کارگران نشان می‌داد که تمامی مطالبات آن‌ها یکی پس از دیگری پیگیری خواهدشد و همچنین آن‌ها را به منظور ایستادگی و حضور در عرصه کنشگری مصمم می‌کرد.

#### ۴) شرایط مداخله‌گر

##### ۴-۱) کرونا و غلبه فضای مجازی

همه‌گیری ویروس کرونا از جمله مسائلی بوده که برای مدت زمانی کنشگری سیاسی را با چالش مواجه کرده‌است. چنین امری در مورد معلمان بیش از کارگران مطرح شد؛ در این زمان فضای مجازی مهم‌ترین بستر به منظور پیگیری مطالبات و جلوگیری از توقف کامل حرکت اعتراضی بوده‌است.

##### ۴-۲) خلق احساسات جمعی در بستر مناسک اعتراضی

شکل‌گیری احساسات جمعی عاملی مهم در تفوق یک حرکت اعتراضی محسوب می‌شود. در اینجا احساسات نیز در قالب فرایندی داد و ستدی قابل بررسی هستند که در همبستگی با گروه حس "ما بودن" را رقم می‌زند. می‌توان ورود به صحنه اعتراض را همچون بالا رفتن و پایین آمدن پرده نمایش تلقی کرد. با بالا رفتن پرده، تماشاگر به دنیای دیگری منتقل می‌گردد، دنیایی با معانی مختص به خود و نظامی که ممکن است با نظام زندگانی روزمره ربط زیادی داشته یا نداشته‌باشد. با پایین آمدن پرده تماشاگر به واقعیت بازمی‌گردد یعنی به واقعیت‌های زندگی روزمره‌ای بازگشت می‌کند که در مقایسه با آن واقعیتی که در روی صحنه عرضه گردیده، هر قدر هم که چند لحظه قبل نمایش آن به طور زنده اجرا شده‌باشد، اکنون پوشالی و بی‌دوام جلوه می‌کند (برگر، ۱۳۹۹: ۴۲). مجید (معلم) از تجربه روزهای حضور در اعتراض می‌گوید:

«مثلا تو زنگ تفریحا و وقتی جمع میشدیم همیشه حرف تجمعات بود؛ بعد اون روزاییه که باورتون نمیشه، اون روزایی که می‌خواستیم فرداش بریم تجمعات یه شور و شوقی داشتیم واقعا؛ یعنی ببین اون احساس که به من دست می‌داد، احساس مفید بودن، یعنی ببین یکی از اون احساسای ناب انسانی واقعا به نظرمه این مفید بودنه».

##### ۴-۳) اجماع و تفوق خشم

زمانی که کنشگر در نمای بیرونی و خیابانی یک اعتراض با خیل کثیری از همکاران خود مواجه می‌شود چنین امری در عرصه آگاهی او تاثیرگذار بوده و «احساس قدرتمندی ناشی از غلبه بر احساس ترس از طریق با هم بودن در فضای غیرمجازی و فضای مجازی میسر می‌شود» (کاستلز، ۱۳۹۸: ۲۸). در این بین تعداد کنشگران در هر یک از اعتراضات معلمان و کارگران از حیث کنشگری در فضای مجازی و کنشگری در فضای غیرمجازی متفاوت است. معلمان در

پیگیری مطالبات خود فضای مجازی را به عنوان یک فضای جدی به منظور کنشگری در نظر می‌گیرند. به این ترتیب کنشگران حاضر در پیگیری مطالبات معلمان نیز به سه دسته تقسیم می‌شود؛ کنشگران فعال در فضای مجازی، کنشگران فعال در فضای غیرمجازی و کنشگران حاضر در هر دوی این فضاها. آنچه که از نظر معلمان حاضر در این پژوهش مطلوب می‌نمود حضور در هر دوی این فضاها و کنشگری به صورت توأمان بود؛ در بخش دیگر کارگران، به ویژه کارگران هفت‌تپه، در قیاس میان کنشگری در فضای مجازی و فضای غیرمجازی، تاکید کردند که فضای مجازی فقط ابزاری در دست کارگران است؛ این ابزار در حاشیه حضور میدانی در فضای غیرمجازی معنا می‌یابد.

## ۵) استراتژی

### ۵-۱) اعتراض صنفی به مثابه کنش‌ورزی خشونت‌پرهیز

براساس یافته‌های این پژوهش، اعتراض معیشت‌پایه گونه‌ای از کنشگری بوده که در پی چانه‌زنی و بیان مطالبه به دور از هرگونه خشونت بوده‌است. معلمان همواره بر این نکته تاکید داشتند که کنش‌های آن‌ها صنفی بوده و به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز انجام شده‌است. حسین (معلم) در این باره می‌گوید:

«همه تلاشمون این بوده که توی این سال‌های مختلف توی جاهای مختلف همین جمله رو تکرار کردیم که ما معلمیم و خواستار حقوق قانونی خودمون هستیم و به صرف این معلم بودنمون هم سعی می‌کنیم که از راه معلمی، از راه کنش صنفی با قلم و با استناد به قانون اساسی این مطالبات خودمون رو پیش ببریم».

در کنار این، کارگران نیز همچون معلمان اعتراضات خود را اعتراضاتی مسالمت‌آمیز نامیدند. هر چند که کارگران مشخصاً از لفظ صنفی استفاده نکردند اما به عقیده آن‌ها هم هرگونه فعالیت خشونت‌آمیز آن‌ها را از اهداف اصلی خود دور می‌کرد.

### ۵-۲) روابط عمودی قدرت

یافته‌های حاکی از این است که کنشگران برای ترسیم نحوه تعاملاتشان در یک حرکت اعتراضی به دو نوع روابط کلی اشاره کردند. در یک سو، شاهد روابط عمودی قدرت هستیم که به منزله نوعی روابط بالا به پایین بوده و به مرور زمان حالتی بروکراتیک به خود گرفته‌است؛ چنین امری درمورد معلمان به واسطه کارکرد شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان

بیش از کارگران به چشم می‌خورد. در میان کارگران پالایشگاه‌های پارس جنوبی نیز روابط عمودی قدرت در قالب رأی‌گیری به منظور انتخاب اعضای انجمن صنفی پارس جنوبی نقطه اصلی‌ای است که در آن کارگران از قدرت چانه‌زنی برخوردارند. در میان کارگران کشت و صنعت هفت‌تپه، تعدادی از کنشگران در حین اعتراض بنا به تصمیم سایر کارگران نقش نمایندگی را بر عهده می‌گیرند.

چنین تجربه‌ای نوع جدیدی از رهبری را که در اینجا مشخصاً "رهبری اجماعی" نامیدیم به ارمغان می‌آورد. فضای مجازی امکان یک مشارکت ارتباطی را در روند کنشگری فراهم می‌کند؛ اما این به معنای این نیست که تمامی کنشگران از تاثیر برابری در کنش‌های جمعی برخوردارند و می‌توان سلسله مراتب موجود را نادیده گرفت. به این ترتیب در عین حال که در این اعتراضات شاهد مشارکت و خودابرازی هر یک از کنشگران هستیم، شکل‌گیری نوعی از رهبری اجماعی نیز متصور است (Gerbaudo, 2012: 140).

### ۳-۵) روابط افقی قدرت

در سوی دیگر با شکل‌گیری روابط افقی قدرت مواجهیم تا حلقه‌های واسط میان کنشگران افزایش یابد و به واسطه آن کنش جمعی در قامتی قدرتمندتر ظاهر شود. بخشی از این روابط افقی قدرت در قالب برگزاری انتخابات دوره‌ای در سطح معلمان کشور و همچنین شوراهای کارگری نمایان شده‌است. علاوه بر این معلمان و کارگران در فضای مجازی می‌توانند نوعی از "ارتباط خودانگیز"<sup>۱</sup> را تجربه کنند (کاستلز، ۱۳۹۸)؛ این نوع روابط افقی قدرت، کنشگری سیاسی را از حالت خطی خارج کرده و چرخه‌ای از تعاملات را میان کنشگران متکثر رقم می‌زند.

مفهوم "خرد جمعی"<sup>۲</sup>، مشخصاً در مورد کارگران شرکت کشت و صنعت هفت‌تپه ذیل روابط افقی قدرت مصداق پیدا می‌کند. کارگران این شرکت در اعتراض‌های معیشت‌پایه به طور جدی عرصه کارخانه و سپس خیابان را به عنوان مهمترین عرصه کنشگری شناختند. در مواردی کارگران پس از اعتصابات چند روزه در فضای شرکت تصمیم می‌گرفتند که اعتصابات خود را به سطح خیابان تسری دهند. در اینجا کارخانه به مثابه حوزه عمومی، عرصه‌ای چند

1 Mass-self Communication

2 Collective reason

در شرایط حاکمیت «خرد جمعی»، روند بازاندیشی به کمک تمامی کنشگران انجام می‌گیرد که همگی از شأن و منزلت یکسانی به منظور اظهار نظر برخوردارند (هابرماس، ۱۳۸۵).

ذهنی، محل برخورد اندیشه‌ها، اذهان گوناگون و فضای طرح آزاد مسائل عمومی بود که جمع کارگران وظیفه استدلال و تعقل را به طور عمومی برعهده داشتند (هابرماس، ۱۳۹۹). امیر (کارگر، ه) در مورد خرد جمعی می‌گوید:

«یه چیزی که خیلی تو هفت‌تپه رایجه بهش میگن خرد جمعی؛ خرد جمعی چیه، مثلاً یکی میره بالا صحبت میکنه؛ آقا ما میخوایم این کارو بکنیم، همه کارگرا راضی هستن؟ اگه رای با اکثریت بود، اون کارو انجام میدن؛ اگه نه مثلاً مخالف بودن، انجام نمیشد».

#### ۴-۵) اشکال پیشرونده مبارزه

در این بخش به مراحل مختلف بیان مطالبه کارگران و معلمان می‌پردازیم که در پیگیری مطالبات خود مسیری قدم به قدم را طی می‌کنند؛ ابتدا کنشگران سیاسی تلاش می‌کنند با "پیشروی آرام و آگاهی‌بخشی" سایر همکاران خود را به کمک گفتگو نسبت به هدف مشترک آگاه کنند؛ در قدم بعدی کنشگران با "بیان شفاهی مطالبه" آن را از سطح ذهن خارج کرده و به صورت انضمامی در مورد آن با یکدیگر گفتگو کردند. نتیجه‌بخش نبودن این مرحله آن‌ها را مجاب می‌کند که باید کنشگری خود را یک پله جلوتر ببرند و به "طرح دعوی مکتوب به نهاد بالادست" بپردازند؛ اما این مرحله نیز گذرا بوده و آن‌ها را به سمت "نزاع بر سر کنترل فضای مدرسه/ کارخانه" سوق داد؛ در این مرحله کنشگران سیاسی از طریق تحصن و یا اعتصاب فرایند شغلی خود را متوقف کرده و خواستار نمایش قدرت نمادینشان به سایرین هستند. معلمان و کارگران در وهله آخر، پس از اینکه دائماً مورد بی‌اعتنایی مقامات بالادست قرار گرفتند فضای خیابان را به تملک خود درمی‌آورند تا از این بستر بتوانند توجهات را به خود جلب کرده و دیگری قدرتمند را وادار کنند تا به خواسته‌ها و مطالبات آن‌ها پاسخ بدهد. در اینجا خیابان به عنوان خط قرمز حاکمیت در نظر گرفته می‌شود.

#### ۵-۵) اینستاگرام؛ حیاط خلوت ذینفعان بالقوه

اینستاگرام در طیف برنامه‌هایی است که کنشگران در بستر آن از طریق به اشتراک گذاشتن عکس و فیلم فعالیت می‌کنند. مقصود از ذینفعان بالقوه افرادی هستند که مستقیماً از تحقق اهداف اعتراض سود می‌برند اما بعضاً ممکن است در فضای غیرمجازی و فضای مجازی حاضر به کنشگری نباشند؛ معلمان در فضای اینستاگرام به مثابه کنشگرانی هستند که امکانات این فضا، همچون لایک کردن، کامنت گذاشتن، به اشتراک گذاشتن استوری، پست گذاشتن و دنبال

کردن صفحات مربوط به کانون‌های صنفی معلمان را در زمره کنش‌های سیاسی اثرگذار می‌انگارند. با این وجود، در موارد متعددی معلمان بیان کردند که کنشگری برخی از همکاران آن‌ها صرفاً منوط به فضای اینستاگرام، با صرف نظر از فضای غیرمجازی بوده‌است. این حالت کج‌دار و مریز احساسات آن‌ها مبنی بر ضرورت همکاری با سایر کنشگران را ارضا کرده و مجرای احساسی برای بازسازی حس با هم بودن و گریز از انزوا و انفعال را ایجاد می‌کند (Gerbaudo, 2012). در طرف مقابل، اینستاگرام در میان کارگران به عنوان یک شبکه مرجع عمل نمی‌کرد. کنشگران فعال در عرصه کارگری بیشتر بر شبکه‌هایی همچون واتساپ و تلگرام که ایجاد گروه‌های دسته‌جمعی در آن‌ها رونق دارد تاکید کردند. به بیانی، کارگران شبکه‌ای را ترجیح می‌دادند که بتوانند در آن از طریق ایجاد گروه‌های بزرگ گفتگو کنند.

#### ۶-۵) توئیتر؛ سنگر اختصاصی حامیان نخبه

به عقیده کنشگران، توئیتر بستری خاص بوده و نمی‌توان همراهی تمامی کنشگران را در این فضا جلب کرد. بخشی از این امر به ساختار کلی توئیتر با محوریت متن‌های کوتاه و بخش دیگری به فیلترینگ توئیتر از ابتدای ورود به ایران برمی‌گردد که مانع از آشنایی اولیه با این اپلیکیشن شده‌است. در اینجا معلمان و کارگران تاکید داشتند که فقط تعداد مشخصی از کنشگران که به مرور در رأس اعتراض‌های معیشت پایه قرار گرفتند در فضای توئیتر فعال هستند. علت استقبال این افراد از فضای توئیتر به دلیل وجود هشتگ‌ها (#) و همچنین امکان برپایی طوفان‌های توئیتری است.

در اینجا ذکر یک نکته درمورد توئیتر و اینستاگرام لازم است؛ درمورد کارگران توئیتر فضایی کلیدی‌تر به منظور فعالیت است. هدف آن‌ها از حضور در این عرصه، همراه کردن سایر کارگران در کارخانه مشترکشان همچون هفت‌تپه و یا پالایشگاه نفت و گاز نیست؛ چراکه از منظر آن‌ها کارگر خود با مسائل به صورت مستقیم دست‌وپنجه نرم می‌کند و نسبت به آن‌ها آگاه است. هدف آن‌ها از حضور در این فضا دسترسی به مقامات مهم کشور همچون نمایندگان مجلس است. در طرف مقابل، معلم همچنان فضای اینستاگرام را بستری برای آگاه کردن همکاران خود می‌داند؛ چراکه در نظر او "پیشروی آرام و آگاهی‌بخشی" در مورد معلمان به طور کامل عملی نشده است.

## ۷-۵) کوچ مجازی<sup>۱</sup>

مشارکت‌کنندگان پس از محدودیت‌های فیلترینگ از جابجایی خود میان شبکه‌های مجازی سخن گفتند؛ معلمان در ابتدای امر به دنبال فیلترینگ گسترده تلگرام، به شبکه مجازی واتساپ کوچ کردند؛ اما پس از چندی به دنبال فیلترینگ گسترده واتساپ، کنشگران به مقایسه امکانات این دو شبکه پرداختند و تصمیم گرفتند تا فعالیت گروه‌ها در تلگرام را از سر بگیرند. مهدی (معلم) در این باره توضیح می‌دهد:

«خب ببینید هی مهاجرت انجام شد دیگه؛ تو دوره‌ای که وایبر بود بعد تلگرام اینا اومد، گرایش پیدا کردن به تلگرام؛ بعد از اینکه یعنی تا زمانی که تلگرام فیلتر نشده بود و واتساپ باز بود و بدون فیلترشکن میشد رفت، همه گرایش پیدا کردن به سمت واتساپ؛ تا زمانی که این مشکلات واتساپ پیش اومد. الان باز به نظر من گرایش به تلگرام بیشتر شده؛ قابلیت‌های تلگرام به نظر من بیشتر از واتساپ هست».

در اصل، در روند کنشگری معلمان یک کوچ دائمی از شبکه‌ای به شبکه دیگر قابل مشاهده است به گونه‌ای که معلمان پس از چندی در میان شبکه‌های متعدد سردرگم می‌شوند. چنین وضعیتی منجر به ریزش افراد در هر یک از گروه‌ها شده و معلمان نمی‌دانند که مدخل اصلی برای تعامل با همکارانشان در کدام شبکه است. در موارد متعددی معلمان اذعان داشتند که فیلترینگ بی‌اعتنایی آن‌ها به شبکه‌های فیلترشده را در پی داشته و پس از بازگشت دوباره، گروه‌های مدنظر فراموش یا حذف شده‌بودند. به این ترتیب نتیجه حاصل از کوچ مجازی برخلاف خواست ابتدایی معلمان، سردرگمی و بلا تکلیفی آن‌ها میان شبکه‌های متعدد بوده‌است. در مورد کارگران، آنچه که از آن با عنوان کوچ مجازی یاد کردیم مشاهده نشده‌است. کارگران هفت‌تپه در هر دو فضای تلگرام و واتساپ گروه‌های خود را تشکیل دادند و کارگران صنعت نفت و گاز نیز تلگرام را به عنوان بستر مجازی مرجع برگزیدند. فیلترینگ تلگرام و سپس فیلترینگ واتساپ منجر به جابجایی کارگران در میان شبکه‌های مجازی نشد بلکه در شبکه مرجع خود باقی ماندند و در مقابل اختلال ایجادشده به کمک فیلترشکن‌ها مقاومت کردند.

۱- این مفهوم برگرفته از کتاب جزیره سرگردانی است (کرمانی، ۱۳۹۹b: ۷۴ و ۷۶).

## ۶) پیامد

### ۱-۶) اهمال کاری سیاسی

از جمله دستاوردهای عینی کنشگران در طول این مسیر، دستیابی به بخشی از حقوق و مزایا از طریق اعمال فشارهای مکرر بر حاکمیت از طریق اشکال پیشرونده مبارزه بوده‌است. در اینجا، معلمان بر اجرای ناقص طرح رتبه‌بندی و کارگران بر اجرای ناقص طرح طبقه‌بندی مشاغل و همسان‌سازی حقوق تأکید کردند. به این ترتیب در هر یک از این موارد شاهد نوعی اهمال کاری نسبت به مطالبات هستیم. ناهید (معلم) مشخصاً در مورد قانون رتبه‌بندی می‌گوید:

«من فکر میکنم که اولاً همین رتبه‌بندی ۱۴ سال بود که قرار بود اجرا بشه؛ اگر فشار معلمان و تجمعاتشون نبود و این موضوع رو فریاد نمیزدن، خیابونی نبود دیگه، تحصن تو مدرسه نبود بازم اونا ترجیح میدادن این کارو نکنن؛ الان باید بپذیریم که این تجمع باعث شد این اتفاق بیفته؛ گرچه خیلی بد انجامش دادن و بازم حق و حقوق تضییع شد؛ ولی بازم انجام شد من فکر می‌کنم این حداقل نتیجه‌ش بود».

### ۲-۶) دومینوی مقاومت

در این پژوهش معلمان و کارگران هر کدام به صورت جداگانه، اعتراض‌های معیشت‌پایه خود را زمینه‌ساز اشغال فضای خیابان توسط سایر گروه‌ها و به بیانی عادی شدن حضور در خیابان نامیدند. در اینجا می‌توان گفت چنین پیامدی حاصل ذهنیت هر یک از کنشگران بوده و در نظر گرفتن نقش پیشرو برای اعتراض‌های معیشت‌پایه از جمله عواملی است که به کنشگران انگیزه‌ای دو چندان داده‌است؛ دومینوی مقاومت به لحاظ سرمایه اجتماعی آن‌ها را در جایگاه قابل توجهی در میان سایر کنشگران سیاسی قرار داده‌است. در مورد کارگران، پس از واگذاری کارخانه‌های بزرگ به بخش خصوصی، تعدادی از آن‌ها با توجه به شرایط نامطلوب پیش‌آمده و به تاسی از شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه دست به اعتصابات گسترده زدند. به این ترتیب، در اینجا مقاومت همچون دومینویی از یک کارخانه به کارخانه‌ای دیگر تسری پیدا کرد.

امیر (کارگر، ه) می‌گوید:

«این ایستادگی هفت‌تپه بود که اهواز اعتصاب کردن، هپکو اعتصاب کرد و باقی شرکتها و همه جا اعتصاب میکردن یعنی هفت‌تپه واقعا نمادی بود، نماد ایستادگی بود واسشون».

### ۳-۶) بازاندیشی و خودتأمل‌گری<sup>۱</sup>

اگر کنشگری سیاسی در اعتراض‌های معیشت‌پایه را به عنوان یک چرخه در نظر بگیریم، پس از هر بار حضور در خیابان و پایان یک دوره از کنشگری روند بازاندیشی و خودتأمل‌گری آغاز می‌شود. «پس از روی دادن عمل، نتیجه مهم دیگری به بار می‌آید، زیرا که عمل‌کننده درباره عملش می‌اندیشد. اکنون یک جزء از نفس به عنوان اجراکننده این عمل عینیت می‌یابد و کل نفس بار دیگر وحدتش را از عمل اجراشده تقریباً می‌گسلد» (برگر، ۱۳۹۹: ۱۰۵). کنشگران پس از هر حرکت آن را رصد کرده و دستاوردهای خود را بازنگری می‌کنند؛ علاوه‌براین، هزینه‌هایی که به منظور کسب این دستاوردها متحمل شده‌اند را نیز برآورد می‌کنند. کنشگران از مواردی یاد کردند که فضای مجازی به بستری مهم برای بازاندیشی آن‌ها تبدیل شد. پس از حضور در فضای خیابان به منظور اعتراض‌های معیشت‌پایه کنشگران فعال، تلاش می‌کنند تا آنچه که در میدان سپری شد را به کمک فضای مجازی به اطلاع سایرین برسانند. به این ترتیب این مدیوم به بازآرایی فضای سیاسی کمک می‌کند؛ چرا که انتشار هر پیام علاوه‌بر اطلاع‌رسانی به منزله دعوت به یک نوع از پاسخ احساسی نسبت به جریانات است.

### ۴-۶) فضای مجازی و شکست هژمونی سکوت

کنشگران سیاسی در اعتراض‌های معیشت‌پایه، پس از تجربه ناکامی از سوی رسانه‌های داخلی به این نتیجه رسیدند که جو غالب بر مبنای سکوت تعریف شده‌است و باید مجرای بیابند تا به وسیله آن خود را به جو غالب تحمیل کرده و افکار عمومی را جلب کنند. اگر تا پیش از این کارگر و معلم خواستار حضور یک خبرنگار در فضای کارخانه و فضای تجمعات خیابانی‌شان بودند اکنون به این نتیجه رسیدند که به کمک ابزار موجود می‌توانند این نقش‌ها را برعهده بگیرند. آن‌ها پس از چندی به خبرنگار و گزارشگر فضای کنشگری‌شان تبدیل شدند. به بیان ترکل<sup>۲</sup> «فضای مجازی یک فضای رهایی‌بخش است، چراکه به کاربران اجازه می‌دهد که در آن واحد خالق، بازیگر، کارگردان و در مجموع همه‌کاره فضای زیست اجتماعی خود باشند»

1 Self\_reflection

این مفهوم متأثر از تحلیل مانوئل کاستلز در رابطه با جنبش‌های جدید است که اصلاحاً آن‌ها را "خودتأملگر" self\_reflective معرفی می‌کند. در این معنا، آن‌ها دائماً خود را به عنوان جنبش و به عنوان فرد مورد پرسش قرار می‌دهند (کاستلز، ۱۳۹۹: ۱۹۰).

2 Sherry Turkle

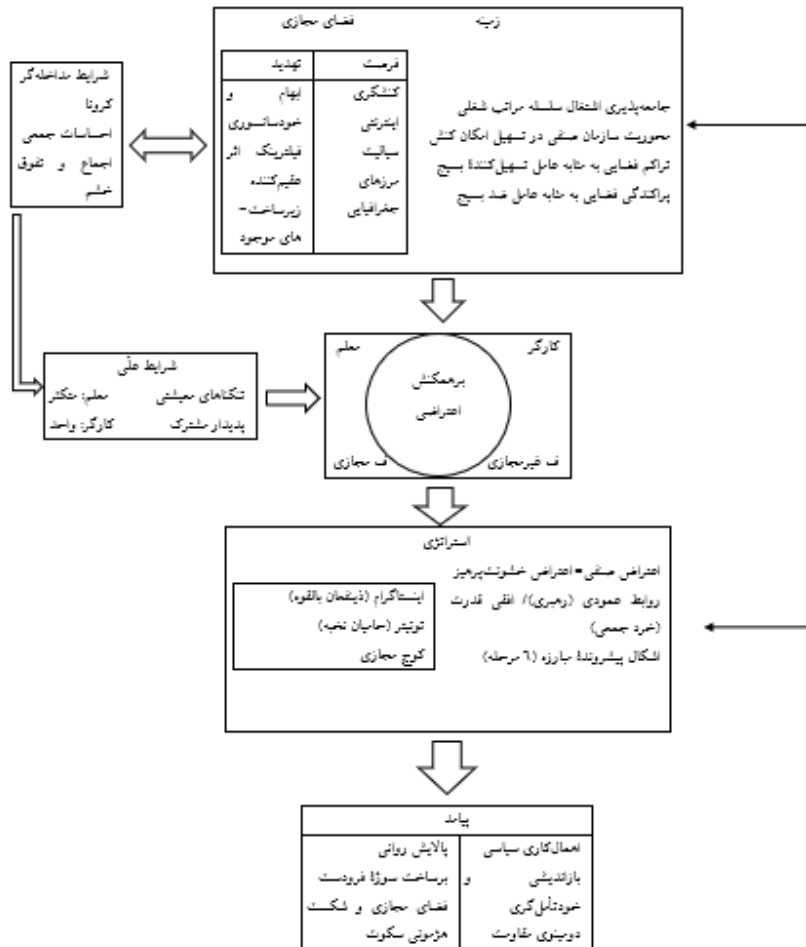
(Turkle, 1995: 85). ابزار در دسترس یعنی گوشی‌های هوشمند برای هر یک از کنشگران در نقش سلاحی ظاهر شد که به کمک آن توانستند صدای خود را مخابره کنند.

#### ۵-۶) بساخت سوژه فرودست

آنچه که در این پژوهش تحت عنوان تجربه کنشگری سیاسی در اعتراض‌های معیشت پایه ترسیم شد به لحاظ جغرافیایی در نقاط خاصی از کشور اتفاق افتاده است و به قول برگر (۱۳۹۹) با نوع جدیدی از "سنخ‌بندی برهمکنش اجتماعی" مواجهیم. وظیفه سنخ‌بندی در این تجربه غیرمستقیم بر عهده رسانه‌های در دسترس است. در اینجا فضای مجازی در دوگانه فرادست/ فرودست، کنشگران مدنظر را در میان فرودستان قرار می‌دهد. اعتراض در گوشه‌ای است که اغلب، رسانه تنها مجرای ما برای دسترسی به زوایای مختلف آن و شناسایی طرف‌های درگیر در آن است. بازتاب رسانه‌ای پس از چندی دوقطبی موجود در عرصه کنشگری سیاسی را فعال کرده و هر یک از طرفین را در جایگاه خود قرار داده است. پس از شکل‌گیری این دو قطبی، اعتراض فقط امری محدود به کارگر و یا معلم نیست بلکه هر یک از مخاطبان خود را در یک طیف قرار داده و به صف فرودست و یا فرادست می‌پیوندند.

#### ۶-۶) هویت مجازی و فرایند پالایش روانی

یکی از پرتکرارترین گفته‌های کنشگران در رابطه با حضور معلمان و کارگران در فضای مجازی مربوط به پالایش روانی بود. پالایش روانی در اینجا به این معنا است که کنشگران در اثر حضور در فضای مجازی به لحاظ روانی تخلیه شده و از حضور در فضای غیرمجازی که در رسیدن به مطالبات موثرتر بوده سرباز می‌زنند. کنشگران سیاسی بیان کردند که در یک اعتراض معیشت- پایه آنچه که به موفقیت آن‌ها هر چند به صورت مقطعی می‌انجامد ناشی از حضور توأمان در فضای مجازی و فضای غیرمجازی بوده است. این در حالی است که معلمان و کارگران اظهار داشتند که در مواردی فضای مجازی خود به عرصه مستقل کنشگری بدل شده و تعامل آن با فضای غیرمجازی توسط برخی از کنشگران نادیده گرفته شده است. کنشگران با حضور مجازی، به گمان خود از عذاب وجدان ناشی از عدم حضور در عرصه غیرمجازی می‌گریزند. آن‌ها از این طریق هم با خطرات حضور در خیابان مواجه نیستند و هم اینکه خود را کنشگری تاثیرگذار و فعال می‌پندارند.



نمودار ۱- مدل مفهومی پژوهش

### نتیجه‌گیری

آنچه در این پژوهش به دنبال آن بودیم شناخت تجربه کنشگری سیاسی در اعتراض‌های معیشت‌پایه در بستر دو فضای غیرمجازی و مجازی بود و به این منظور روش نظریه داده بنیاد مورد استفاده قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برخلاف طرح مسئله‌های پیشین، روابط میان کنشگری در فضای مجازی و فضای غیرمجازی را نمی‌توان به تقدم و تأخر تقلیل داد و مفهوم "برهمکنش اعتراضی" نیز تلاشی در جهت ترسیم درهم‌تنیدگی این دو فضا و دیالکتیک ذهن و عین بوده‌است. در اینجا در قالب زمینه‌ها، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر،

استراتژی و پیامدها رابطه دو سویه فضای مجازی و غیرمجازی در کنشگری سیاسی معلمان، کارگران کشت و صنعت هفت‌تپه و کارگران صنعت نفت و گاز پارس جنوبی مدنظر قرار گرفت. زمینه‌های چنین اعتراضاتی در فضای غیرمجازی و فضای مجازی نهفته بود و در موارد متعددی فضای مجازی به مثابه حوزه عمومی به منظور برقراری ارتباط و بیان آزادانه نظرات ظاهر شد. ساختارهایی همچون فضای مجازی می‌توانند در جهت تسهیل و یا مانع‌تراشی از طریق فیلترینگ در روند یک کنش اعتراضی عمل کنند. آنچه که در قامت علت درمورد یک اعتراض معیشت پایه مطرح می‌شود به عقیده برگر متضمن "معنایی مشترک" است که به مفهوم کلی مسائل اقتصادی محدود می‌گردد. بر مبنای آنچه که در بخش ملاحظات نظری تحت عنوان مفهوم اعتراض ذکر شد حضور کنشگران در فضای خیابان جنبه رفتاری اعتراض محسوب می‌شود. در چنین زمانی اعتصاب به منظور کنترل فضای مدرسه و کارخانه و سپس برگزاری تجمعات در خیابان امری نمادین به منظور ترسیم نیروی بالقوه کنشگران است. عموماً در پژوهش‌هایی که به نقش فضای مجازی در کنشگری سیاسی پرداخته بودند حرکت‌های اعتراضی جدید امری بدون رهبر شناخته‌شد. در اعتراض مدنظر ما، برخلاف پژوهش‌های پیشین، روابط عمودی و افقی قدرت نشان می‌دهد که هر یک از کنشگران حرکت خود را به عنوان حرکتی که توسط نهادی واسط هدایت شده معرفی کرده‌اند. چنین امری بیانگر شکل‌گیری "حوزه عمومی" در حفاصل فرد و دولت است. آنچه که تاکنون در مورد شبکه‌های مرجع معلمان و کارگران در اپلیکیشن‌های مجازی مطرح شد نمایی از کنشگری آن‌ها در فضای غیرمجازی نیز هست. گفتگوهای معلمان در این پژوهش نشان می‌دهد که ما با خیل عظیمی از معلمان پراکنده در سراسر کشور مواجه هستیم که تجمیع آن‌ها به منظور یک کنش جمعی امری دشوار بوده و تا کنون نیز در حالت ایده‌آل مدنظر معلمان عملی نشده‌است. پراکندگی شاید گویاترین واژه به منظور ترسیم کنشگری معلمان در فضای مجازی و فضای غیرمجازی باشد. این در حالی است که در مورد کارگران، تجربه کنشگری سیاسی در اعتراض‌های معیشت پایه در بستر فضای غیرمجازی و فضای مجازی مسیری متفاوت را طی می‌کند. در این مورد، انسجام جامع‌ترین کلمه به منظور ترسیم تجربه کنشگری کارگران است. بنابر بخش آخر پژوهش، نتایج حاصل از یک اعتراض نیز در بستری ذهنی و عینی نمایان می‌شود؛ از یک سو کنشگران در اثر بازاندیشی به دستاوردهایی ذهنی می‌رسند و از سوی دیگر در اثر چانه‌زنی‌ها نتایج عینی همچون افزایش حقوق و دستمزدها حاصل می‌شود. به طور کلی، یافته‌های این

پژوهش نشان می‌دهد که کنشگری سیاسی در مواردی به نتیجه مدنظر کنشگران منتهی شده- است که حضور در هر دو فضای غیرمجازی و فضای مجازی به صورت توأمان صورت گرفت. به بیان صریح، زمانی که معلمان و کارگران از فضای مجازی به مثابه ابزاری در کنار فضای غیرمجازی بهره گرفتند کنش‌های اعتراضی آن‌ها تا حدودی سودمند واقع شد؛ در چنین حالتی فضای مجازی به عنوان ابزاری در خدمت کنشگران قرار می‌گیرد و از هویتی مستقل به منظور چانه‌زنی برخوردار نیست. در عین حال، رجوع به فضای مجازی و بهره‌برداری از آن به عنوان بستر مستقل نتیجه‌ای جز ناکارآمدی و دودستگی کنشگران نداشته‌است.

## منابع

- اپتر، دیوید؛ اندی پین، چالرز. (۱۳۸۰). **اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی**، محمدرضا سعیدآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت. (۱۳۹۳). **اصول روش تحقیق کیفی نظریه‌مبنایی\_ رویه‌ها و شیوه‌ها**، بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- استراوس، آنسلم؛ کوربین، جولیت. (۱۳۹۱). **مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه‌زمینه‌ای**، ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- امینی، سعیده؛ دادگسترینیا، محمدعلی. (۱۴۰۲). **شوک‌های اخلاقی، صعود و افول عواطف در شبکه ایکس در ناآرامی‌های ۱۴۰۱، مطالعات جامعه‌شناختی**، دوره ۳۰، شماره ۲، صفحه ۲۲۹-۲۵۶.
- بر، ویوین. (۱۳۹۵). **برساخت‌گرایی اجتماعی**، اشکان صالحی، تهران: نشر نی.
- برگر، پیتر؛ لوکمان، توماس. (۱۳۹۹). **ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت**، فریبرز مجیدی، تهران: علمی فرهنگی.
- خجیر، یوسف. (۱۳۹۷). **جامعه‌ای شبکه‌ای شده: نقش شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای پیام-رسان موبایلی در تحول جامعه مدنی در ایران**، رساله دکتری رشته علوم ارتباطات، به راهنمایی دکتر هادی خانیکی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- دلاپورتا، دوناتلا؛ دیانی، ماریو. (۱۳۸۳). **مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی**، محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- ذکایی، محمدسعید. (۱۳۸۱). **نظریه و روش در تحقیقات کیفی، فصلنامه علوم اجتماعی**، دوره ۹، شماره ۱۷، صفحه ۴۱-۶۹.

- ستوده، مهدی؛ تقی‌پور، فائزه. (۱۳۹۸). نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در شکل‌گیری و تقویت خواسته‌های صنفی کشاورزان اصفهان، *نشریه مدیریت رسانه*، شماره ۴۴.
- سردارنیا، خلیل‌اله؛ البرزی، هنگامه. (۱۴۰۱). تحلیل اعتراضات صنفی-اجتماعی اخیر در ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) از نظر نظریه سیاست خیابان، *فصلنامه علمی پژوهش‌های راهبردی سیاست*، دوره ۱۱، شماره ۴۰.
- عالی‌زاد، اسماعیل؛ ابراهیم طاری، نازگل. (۱۳۹۶). عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و فعالیت در عرصه عمومی غیرمجازی (با تأکید بر دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)، *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، سال سوم، شماره ۱۰.
- قاسمی، وحید؛ عریضی، حمیدرضا؛ مردانی، حمید. (۱۳۸۹). تحلیلی جامعه‌شناختی بر احساس عدالت در بین معلمان شهر زنجان، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۵۱.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۹۹). *شبکه‌های خشم و امید جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت*، مجتبی قلی‌پور، تهران: نشر مرکز.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۹۸). *قدرت ارتباطات*، حسین بصیریان جهرمی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، نسخه پی‌دی‌اف فیدیبو.
- کرمانی، حسین. (۱۳۹۹a). میدان سیاست در توئیتر فارسی؛ تحلیل کنشگری سیاسی همگان‌های شبکه‌ای در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶، *جستارهای سیاسی معاصر*، سال یازدهم، شماره ۲.
- کرمانی، حسین. (۱۳۹۹b). *جزیره سرگردانی*، تهران: لوگوس.
- محمودی، شاهو. (۱۴۰۱). بررسی عواطف سیاسی در تصاویر اعتراضات ۱۳۸۸، ۱۳۹۸، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی*، به راهنمایی دکتر سعیده امینی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- مدنی قهفرخی، سعید. (۱۳۹۵). *جنبش‌های اجتماعی و دموکراتیزاسیون*، تهران: روزنه، چاپ اول.
- مهدیون، روح‌اله؛ رفیعی، محسن؛ رزاقی، محمد. (۱۴۰۰). تجربه زیسته اعضای کانون صنفی معلمان از فعالیت‌ها و مشکلات صنفی معلمان (مورد مطالعه: اعضای کانون صنفی معلمان استان آذربایجان شرقی)، *مدیریت بر آموزش سازمان‌ها*، سال یازدهم، شماره ۲.
- هابرماس، یورگن. (۱۳۹۹). *دگرگونی ساختاری حوزه عمومی*، جمال محمدی، تهران: افکار.
- هابرماس، یورگن. (۱۳۹۴). *نظریه کنش ارتباطی*، کمال پولادی، تهران: مرکز.
- ۱\_ ویکی‌پدیا، [https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%88%D8%B1%D8%A7%DB%8C\\_%D9%](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%88%D8%B1%D8%A7%DB%8C_%D9%)
- ۲\_ کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران [/https://sciwa.ir/10004-2](https://sciwa.ir/10004-2)

- Aalizad, Esmail & Ebrahimtari, Nazgol. (2017). "Membership in virtual networks and it's relationship with activities in non virtual public sphere (Focusing on students of public universities in Tehran)". *New Media Studies*, 3 (10), 89-112. (In persion)
- Amini, S; Dadgostarnia, M.A. (2024). "Rise and fall of emotions in Persian X (Twitter) during The Unrest of 2022". *Sociological Review (Social Science Letter)*, 30 (2), 229-256. (In persion)
- Apter, David E; Andrain, Charles F. (2002). *Political Protest and Social Change: Analyzing Politics*, MohammadReza Saeedabadi, Tehran, Strategic Studies Research Institute. (In persion)
- Burr, Vivien. (2016). *Social Constructionism*, Ashkan Salehi, Tehren: Nashr-e Ney.
- Castells, M. (2010). "Globalisation, Networking, Urbanisation: Reflections on the Spatial Dynamics of the Information Age", *Urban Studies*.
- Castells, Manuel. (2020). *Networks of Outrage and Hope: Social Movements in the Internet Age*, Mojtaba Gholipour, Tehran: Markaz. (In persion)
- Castells, Manuel. (2019). *Communication Power*, Hosein Basirian Jahromi, Tehran: Elmifarahangi, Fidibo. (In persion)
- Della Porta, Donatella; Diani, Mario. (2004). *Social Movements: An Introduction*, MohammadTaghi Delfroz, Tehran: Kavir. (In persion)
- Ebrahimi Doushtoor E; Mahdiuon R; Rafiee M; Razzaghi M. (2021). "Lived Experience of Teachers union Members' Activities and Problems of Teachers union (Case Study: Members of East Azerbaijan Teachers' union)". 10 (2) :51-78. (In persion)
- Gerbaudo, P. (2012). *Tweets and the Streets; Social Media and Contemporary Activism*. London: Pluto Press.
- Ghasemi, Vahid; Oreyzi, HamidReza; Mardani, Hamid. (2010). "Sociological Analysis of Injustice Affection Among the Teachers of Zanjan City", *Social sciences*, 17 (51), 107-137. (In persion)
- Habermas, Jürgen. (2020). *The Structural Transformation of the Public Sphere*, Jamal Mohammadi, Tehran: Afkar. (In persion)
- Habermas, Jürgen. (2015). *The Theory of Communicative Action*, Kamal Poulady, Tehran: Markaz. (In persion)
- Kermani, Hosein. (2022a). "Decoding political field on Persian Twitter: Analyzing political activism by Iranian users during Iran's 2017 presidential election", *Contemporary political Studies, Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS) Quarterly Journal*, Vol. 11, No. 2, 149-186. (In persion)
- Kermani, Hossein. (2022.b). *Wandering Island*, Tehran: Logos. (In persion)
- Khajir, Yousef. (2018). "Networked society: The role of social networks and mobile messaging software in the development of civil society in Iran", *Doctoral Thesis in Communication Sciences*, supervised by Dr. Hadi Khaniaki, Allameh Tabataba'i University. (In persion)
- Mahmoudi, Shahou. (2022). "A Study of Political Emotions in Images of Protests in 2009, 2019", *Master's thesis in Sociology*, supervised by Dr. Saeideh Amini, Allameh Tabatabaei University. (In persion)
- Madani Qahfarkhi, Saeed. (2016). *Social movements and democratization*, Tehran: Rozeneh, first edition. (In persion)
- Morozov, E. (2009). "Brave New World of Slaactivism". *Foreign Policy*, 19 May.

- Peter L. Berger; Luckmann, Thomas. (2020), *The Social Construction of Reality: A Treatise in the Sociology of Knowledge* Paperback, Fariborz Majidi, Tehran: Elmifarhangi. (In persion)
- Sardarnia, K; Alborzi, H. (2022). "Analysis of Social-Guild Protests in Iran from Perspective of Street Politics Theory", *Political Strategic Studies*, 11(40), 103-145. doi: 10.22054/QPSS.2021.64113.2938. (In persion)
- Sotoudeh, Mehdi; Taghipour, Faezeh. (2018). "The role of virtual social networks in forming and strengthening trade union demands of Isfahan farmers", *Media Management Journal*, No. 44. (In persion)
- Strauss, Anselm; Corbin. (2014). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, Buik Mohammadi, Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. (In persion)
- Strauss, Anselm; Corbin. (2014). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, Ebrahim Afshar, Tehran: Nashr-e Ney. (In persion)
- Turkle, Sherry. (1995). *Life on Screen*, New York: Simon @ Sehuster.
- Zokaie, MohammadSaeid. (2002). "Theory and Method in Qualitative Research", *Social sciences*, 9 (17), 41-69. (In persion)